

پیش بینی های اتاق فکر آمریکایی درباره آینده ایران

برخی از تحلیلگران اطلاعاتی اعتقاد دارند که سازمان سیا به این دلیل نتوانست توفان آینده در ایران را پیش بینی کند که در ارزیابی های خود از اوضاع ایران به سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) متکی بود.

به گزارش سایت خبری پرسون، مرکز پژوهشی «نشنال اینترست» در گزارشی با اشاره به شکست های پی در پی پیش بینی های سیا و موساد در ارتباط با تحولات ایران تاکید کرد، این شکست ها ناشی از اتکای بیش از حد آن ها به برخی منابع اطلاعاتی نامعتبر خود است.

این مرکز در ادامه با تصریح بر این که نباید به سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) و سازمان اطلاعات و عملیات ویژه اسرائیل (موساد) اعتماد کرد، افزود، آنها واقعیت های درون جمهوری اسلامی را دقیق نمی دانند و اکنون کارکرد این سازمان ها با توجه به ناکامی های فراوان در گذشته برای پیش بینی تغییرات سیاسی در ایران زیر سؤال رفته است.

این اتاق فکر آمریکایی در ادامه به ذکر نمونه هایی از اشتباهات بزرگ این نهادهای اطلاعاتی برای پیش بینی تحولات آتی در ایران پرداخت و افزود، سابقه ناتوانی جامعه اطلاعاتی آمریکا به ناتوانی در پیش بینی انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ میلادی باز می گردد.

اندکی قبل از انقلاب اسلامی در ایران یعنی در ۳۱ دسامبر ۱۹۷۷ جیمی کارتر رئیس جمهور با کسب اطمینان از جامعه اطلاعاتی ایالات متحده عنوان داشت «ایران، به دلیل رهبری عالی شاه، به جزیره ثبات در یکی از مناطق پرآشوب جهان تبدیل شده است.» سازمان اطلاعات مرکزی (سیا) همچنین در آگوست ۱۹۷۸ به کارتر گزارش داد که ایران در وضعیت انقلاب یا حتی «پیش از انقلاب» هم قرار ندارد. شش ماه بعد اما حکومت شاه سرنگون شد و انقلابیون طرفدار (امام) خمینی (ره) قدرت را در دست گرفتند. رئیس سیا بعدها اعتراف کرد که این نهاد قادر به پیش بینی شرایط ایران نبود زیرا «انتظار نداشت یک پیرمرد ۷۸ ساله که ۱۴ سال در کشور نبوده است، بتواند نیروها را با هم متحد کند.»

برخی از تحلیلگران اطلاعاتی اعتقاد دارند که سازمان سیا به این دلیل نتوانست توفان آینده در ایران را پیش بینی کند که در ارزیابی های خود از اوضاع ایران به سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) متکی بود.

طبق این گزارش، اگر جامعه اطلاعاتی ارزیابی دقیقی ارائه می کرد، این امکان وجود داشت که کارتر به جای اطمینان دهی غلط درمورد ثبات سلطنت پهلوی به شاه درمورد مدیریت اوضاع مشاوره می داد. ناکامی سیا در پیش بینی تحولات آینده نه تنها به سرنگونی شریک استراتژیک آمریکا و تغییر عمیق ژئوپلیتیک غرب آسیا (خاورمیانه) منتهی شد، بلکه تلاش کارتر برای انتخاب دوباره را هم ناکام گذاشت.

دربخش دیگر از گزارش مرکز پژوهشی نشنال اینترست به ناکامی های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی به ویژه موساد پرداخته شده و آمده است: جامعه اطلاعاتی اسرائیل نیز همچون هم تایان آمریکایی خود نتوانست تغییرات سیاسی در ایران را به درستی پیش بینی کند.

بر اساس گزارش های محرمانه، پیش از انقلاب گروه های اسرائیلی مستقر در تهران معتقد بودند که شاه به «ثبات داخلی» دست یافته و سلطنت او بدون اختلال قابل توجه ادامه می یابد. اسرائیل تنها در آخرین سال حکومت شاه دریافت که وی به دردمس افتاده است.

با اینکه موساد (سازمان اطلاعات ملی اسرائیل) به شدت در ایران فعالیت داشت، چنین ارزیابی نادرستی را ارائه داد. موساد و ساواک رابطه اطلاعاتی گسترده و استثنایی را با هم ایجاد کرده بودند که شامل تبادل اطلاعات و انجام عملیات های مشترک ضدجاسوسی تا انقلاب اسلامی بود.

گزارش این مرکز در مورد دیگر شکست های رژیم صهیونیستی حاکیست: جامعه اطلاعاتی اسرائیل حتی پس از قدرت یابی اسلام گرایان در ایران، معتقد بود ایران «متحد طبیعی» اسرائیل است و شعارهای آتشین طرفداران (امام) خمینی علیه دولت صهیونیست فقط یک شور انقلابی کوتاه مدت بوده است و نه یک تغییر استراتژیک در سیاست خارجی ایران. حتی در اکتبر ۱۹۸۷ «اسحاق رابین» نخست وزیر اسرائیل، در حالیکه روی تغییر عقیده رهبران ایران نسبت به اسرائیل حساب می کرد، اظهار داشت: ایران بهترین دوست اسرائیل است و ما قصد نداریم موضع خود را در قبال تهران تغییر دهیم.

در ادامه گزارش این مرکز پژوهشی با بیان اشتباهات موساد در زمینه تحولات لبنان نیز آمده است: شکست بدتر این بود که جامعه اطلاعاتی اسرائیل در مورد نفوذ ایران بر شیعیان لبنان و حزب الله هم اشتباه کرد. زمانی که اسرائیل تصمیم به ترک لبنان گرفت، مقامات به مردم اطمینان دادند که در لحظه خروج اسرائیل از جنوب لبنان، کلمه حزب الله از واژگان اسرائیلی ها پاک خواهد شد که البته اینطور نبود و لبنان و حزب الله به طور رسمی بخشی از محور مقاومت شدند.

این گزارش در پایان در زمینه دلایل شکست نهادهای اطلاعاتی در پیش بینی تحولات سیاسی چند دلیل را بر شمرده و در مورد ایران آورده است که یکی از دلایل اصلی این ناکامی ها چارچوب فکری حاکم بر این سازمان ها (پارادایم) است. کارشناسان اغلب از پارادایم ها برای تحلیل واقعیت سیاسی

کشورها استفاده می کنند. اما در کل پیش بینی تغییرات سیاسی همیشه در معرض اشتباه قرار دارد. تحلیلگران با توجه به این الگوهای فکری اشتباه و نادرست معتقدند که تجربه گذشته ثابت می کند که حکومت ایران استوار و شکست ناپذیر است.